

ریشه‌ها و عوامل رویکرد جدید لیبی

پیامدهای داخلی و خارجی آن

ریشه‌ها و عوامل تحولات جدید لیبی

در این مبحث به دو دسته ریشه‌ها و عوامل داخلی و خارجی اشاره خواهد شد. ریشه‌های داخلی شامل، اوضاع اقتصادی، وضعیت سیاسی - اجتماعی و ظهور جناح تکنوکرات در هیئت حاکمه لیبی می‌باشند و در عوامل خارجی به حادثه ۱۱ سپتامبر، سقوط صدام، وضعیت منطقه خاورمیانه و فشارهای آمریکا و غیره اشاره خواهد شد.

اوضاع اقتصاد داخلی

اقتصاد لیبی با نگرش سوسیالیستی مبتنی بر اقتصاد دولتی - سنتی می‌باشد و مهمترین منبع درآمد این کشور را منابع نفت و گاز تشکیل می‌دهند. اقتصاد سوسیالیستی و تسلط کامل دولت بر امور اقتصادی نه تنها منجر به توسعه نشد بلکه بیکاری، فقر و عقب‌ماندگی را برای این کشور به ارمغان آورد. بعد از فروپاشی شوروی سابق در اوایل دهه نود در قرن بیستم، دولت لیبی بر آن شد تا از اقتصاد سوسیالیستی و تمرکز دولت بکاهد و به سوی اقتصاد آزاد و پویا از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تمرکززدایی حرکت نماید، انتخاب دکتر شکری غانم، فارغ‌التحصیل آمریکا و کارشناس مسائل نفتی

به عنوان نخست‌وزیر لیبی در سالهای اخیر در این راستا قرار می‌گیرد. البته تحریم‌های وسیع سازمان ملل متحد بر علیه لیبی بعد از حادثه لاکربی در دهه نود از جمله موانع حرکت سریع لیبی به سمت اقتصاد آزاد بود که لیبی از همان ابتدا در صدد رفع آن بود.

اوضاع اجتماعی - سیاسی و ظهور جناح اصلاح‌گرا

جامعه سنتی و قبیله‌ای لیبی در سایه برداشت خاص قذافی از دین اسلام و انطباق آن با افکار سوسیالیستی و طایفه‌ای در چارچوب کتاب سبز در سه دهه اخیر در میان نسل جوان این کشور مؤثر بوده و از سوی دیگر، ممنوعیت آزادی‌های حزبی و مطبوعاتی، جذب یا از صحنه بدر کردن جریانهای معارض بویژه اسلام‌گرا همواره مطرح بوده است. برخی از نخبگان سیاسی و اسلام‌گرایان معارض در طی سالهای گذشته از لیبی خارج شدند و نخبگان سیاسی باقیمانده در راستای حکومت بوده و یا با آن ارتباط داشتند. این نخبگان مقرب همیشه ضرورت اصلاحات در ابعاد سیاسی، اقتصادی و در روابط خارجی را به نیروهای دولتی و رؤسای کمیته‌های انقلابی گوشزد می‌کردند. در اواسط دهه ۹۰ دو جناح حکومتی یک جناح سنتی و انقلابی به ریاست افسران انقلابی و جناح دیگر اصلاح‌گرا و تکنوکرات اقتصادی به ریاست سیف‌الاسلام فرزند قذافی در هیئت حاکمه لیبی بوجود آمد که این جناح اخیر در تحولات لیبی و تعدیل افکار رهبری لیبی نقش مهمی داشت. قابل ذکر است که سیف‌الاسلام قذافی در روند نزدیکی لیبی با غرب نقش اول را بر عهده داشته است. البته از سال ۱۹۹۲ در مصاحبه‌ها و مواضع لیبی سمت و سوی تلطیف روابط بین‌المللی لیبی و کسب رضایت غرب و آمریکا بروز کرد. بطوریکه وزیر خارجه لیبی طی مصاحبه‌ای بر وجود اشتباهاتی در سیاست خارجی کشورش اذعان نمود.

رهبری لیبی

سرهنگ قذافی با ارائه افکار پان عربیسم، پان افریکانیسم، حمایت از جنبشهای انقلابی جهانی، کتاب سبز، تاریخ جدید اسلامی و غیره نشان داده است که دارای

تمایلاتی منحصر به فرد و شگفتی ساز بوده و سعی دارد خود را در رأس افکار عمومی جهانی مطرح نماید. آغاز تحریمهای بین‌المللی علیه لیبی در دهه ۹۰ و عدم توجه کشورهای عربی به وی و افکارش از جمله عواملی بودند که قذافی را وادار به تعدیل افکار و تغییر استراتژی خویش نمود. سرهنگ قذافی در یکی از سخنرانیهایش می‌گوید: "ما در گذشته در کار خود مبالغه می‌کردیم، فلسطین اکنون اسرائیل را به رسمیت شناخته، باید این سؤال را مطرح کرد که آیا ما از فلسطینی‌ها، فلسطینی‌تر هستیم" شرایط داخلی لیبی و حوادث ۱۱ سپتامبر و جنگ بر علیه عراق به تغییر و تعدیل افکار قذافی تسریع بخشید. سیفالاسلام قذافی در علل رویکرد جدید لیبی خاطر نشان می‌کند: برخی از کشورها و اعراب از وضعیت سخت لیبی و برگ برنده آمریکا بر علیه رهبری لیبی استفاده می‌کردند و بر او می‌خندیدند. به هر حال قذافی پس از اعلام رویکرد جدید خویش اعلام کرد در گذشته رهبری قیامهای آزادیبخش مردمی و مبارزه با استعمار را بر عهده داشته است و الان رهبری صلح و مبارزه با تروریسم را در منطقه و آفریقا بر عهده خواهد گرفت.

عوامل خارجی تحولات لیبی

اثرات تحریمهای بین‌الملل ناشی از حادثه لاکربی بر علیه لیبی

انفجار هواپیمای مسافربری پان‌آمریکن بر فراز منطقه لاکربی اسکاتلند در ۱۹۸۸ و کشته شدن ۲۵۹ سرنشین آن و حادثه انفجار هواپیمای فرانسوی در ۱۹۸۹ همچنین انفجار کافه لایبل برلین در ۱۹۸۶ م. از حوادث مهمی بودند که لیبی به دست داشتن در آنها متهم شد و با پیگیری غربیها و آمریکا در سال ۱۹۹۲، تحریمهای بین‌المللی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد بر علیه لیبی صورت گرفت. آثار این تحریمهای فراگیر بر کشور لیبی یحدی بود که تمام فعالیتهای بین‌المللی آن را فلج کرد و دولتمردان این کشور را مجبور به پذیرش مسئولیت همه حوادث فوق بویژه لاکربی را نمود. در سال

۱۹۹۹ لیبی با تحویل دو متهم لیبیایی در حادثه لاکربی، تحریم‌های سازمان ملل را به حالت تعلیق درآورد. تحریم‌های بین‌المللی، فشار کشورهای نظیر آمریکا و انگلیس بر روی لیبی، تشویق برخی کشورهای عربی لیبی را به سمت مذاکره با آمریکا و انگلیس کشاند که بعد از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا، این رایزنیها در ابعاد وسیعتری سرعت گرفت. لیبی در آوریل سال ۲۰۰۳ میلادی طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل مسئولیت انفجار لاکربی را بر عهده گرفت و تحریم‌های ۱۱ ساله بین‌المللی بر علیه این کشور پایان یافت ولی آمریکا اعلام کرد که تحریم‌های آمریکا بر علیه لیبی ادامه خواهد یافت. مقامات لیبیایی که چاره‌ای جز پذیرش مسئولیت لاکربی را نداشتند در مصاحبه‌ها و مواضع خود ضمن قبول مبالغه‌آمیز بودن مبلغ غرامت قربانیان لاکربی اعلام داشتند که این غرامت در مقابل خسارات ناشی از تحریم‌ها بر علیه لیبی بسیار ناچیز است. بر اساس توافقات بعمل آمده بین سه کشور آمریکا، انگلیس و لیبی قرار شد مبلغ غرامت در سه قسط بدین ترتیب پرداخت شود که قسط اول ۴ میلیون دلار پس از لغو تحریم‌های سازمان ملل و قسط دوم ۴ میلیون دلار پس از لغو تحریم‌های آمریکا علیه لیبی و باقیمانده پس از حذف اسم لیبی از لیست کشورهای تروریستی پرداخت گردد.

اوضاع و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی

حکومت کنونی لیبی در دوران جنگ سرد و بلوک‌بندی شرق و غرب متولد شد و سرهنگ قذافی تحت تأثیر افکار سوسیالیستی، دیدگاه‌های جمال عبدالناصر رهبر مصر و با تکیه به ثروت نفت لیبی بر آن شد تا از جنبش‌های مردمی، سازمان‌های آزادیبخش و حکومت‌های مخالف غرب و آمریکا حمایت نماید ولی عدم اهتمام جدی اتحادیه عرب و کشورهای عربی به آرمان‌های رهبری لیبی، عدم کارائی افکار ناسیونالیستی عربی، فروپاشی شوروی سابق در کنار بروز تحولات وسیع در نظام بین‌المللی و غیره مبین این مطلب بودند که تاریخ مصرف دیدگاه‌ها و آرمان‌های نظام لیبی به پایان رسیده است.

از سوی دیگر عدم توجه اعراب در رفع تحریمهای لیبی و بالاخره عدم کارایی اتحادیه عرب در حل معضلات منطقه‌ای و عربی، باعث شد که او به سوی کشورهای آفریقایی برود. لیبی با صرف میلیونها دلار در سطح قاره آفریقا و طرح شعارهای جذاب، توانست تا حدی خود را از انزوای بین‌المللی خارج کند ولی کافی به نظر نمی‌رسید. لذا بر آن شد تا از تجربه و میانجیگری برخی کشورهای غربی و آفریقایی نزدیک به آمریکا مثل قطر، تونس، مصر و همچنین برخی کشورهای اروپایی نظیر انگلیس، ایتالیا در تجدید روابطش با آمریکا قدم بردارد. مقامات لیبیایی در مصاحبه‌های مختلف از تلاشهای کشورهای فوق در کمک به رویکرد جدید لیبی تشکر نموده و مقامات آمریکایی نیز به مساعدت برخی کشورهای غربی در تسریع بخشیدن به تحولات اخیر لیبی اشاره نمودند.

جنگ علیه افغانستان و سقوط صدام

اقدامات گذشته لیبی در حوادث تروریستی بین‌المللی، محکومیت‌های بین‌المللی علیه آن و همچنین خطر حمله آمریکا به این کشور بخاطر حمایت از تروریسم و برخورداری از سلاحهای کشتار جمعی و تسلیحات اتمی از یک سو و از سوی دیگر نیاز لیبی به استحکام پایه‌های حکومتی و بازگرداندن اعتبار بین‌المللی خویش و بالاخره بروز بحران عراق و منافع اقتصادی آمریکا و انگلیس در لیبی از زوایای مختلف بر تصمیم لیبی جهت پذیرش شروط خلع سلاح، عادی سازی روابطش با غرب و آمریکا موثر واقع شد.

لیبی از سالهای گذشته بدنبال خروج از انزوای سیاسی و بین‌المللی و جذب سرمایه‌های آمریکایی و غربی در بازسازی صنایع نفتی خویش و همچنین نجات نظام سیاسی‌اش بوده و از دو الگوی خلع سلاح اتمی داوطلبانه برخی کشورها مثل آفریقای جنوبی و الگوی دنباله‌روی از آمریکا و غرب مثل بسیاری از کشورهای عربی و آفریقایی بهره‌برداری نمود که شرایط بین‌المللی نظیر سقوط طالبان و صدام به این تصمیم لیبی سرعت بخشید. از سوی دیگر آمریکا و انگلیس با ایجاد نوعی بدعت در نظام بین‌المللی

مبنی بر تهدید نظامی نسبت به کشورهای دارای سلاحهای کشتار جمعی و حامی تروریسم، با اعمال فشار علیه لیبی، تصمیم جدید این کشور را دستاورد استراتژی جدید امنیتی خود قلمداد نمودند.

وضعیت و شرایط جدید لیبی و پیامدهای رویکرد نوین

دولت لیبی در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۲۸ برابر با ۲۰۰۳/۱۲/۱۹ با صدور بیانیه رسمی، پایبندی خود را به تمامی معاهدات منع، تولید و گسترش سلاحهای کشتار جمعی اعلام کرد و از تصمیم خویش برای کنار گذاشتن و استفاده نکردن از هر نوع تجهیزات و موادی که می‌تواند به تولید احتمالی چنین سلاحهایی منجر شود، خبر داد. سیف‌الاسلام قذافی در مصاحبه‌ای اعلام کرد که گفتگوی محرمانه‌ای بین لیبی، آمریکا و انگلیس در ۹ ماه گذشته نتیجه داد و منجر به توافقی شد که لیبی چنین تصمیمی را گرفت. در واقع لیبی با توجه به شرایط داخلی و بین‌المللی خویش به جای درگیری با آمریکا و استمرار تحریمهای بین‌المللی علیه کشورش به تسلیم در برابر آمریکا و خلع سلاح کامل تن در داد. در پی اعلام این تصمیم لیبی، تحولات زیادی در اوضاع داخلی و روابط بین‌المللی لیبی صورت گرفت که به اهم موارد آن طی سطور ذیل اشاره می‌رود.

تحولات در اوضاع سیاسی و اقتصادی داخلی لیبی

سیف‌الاسلام قذافی در پی اعلام تصمیم اخیر لیبی تأکید کرد که اکنون مشکلات تحریمهای علیه لیبی برداشته شده است و ما بجای هزینه‌های زیاد نظامی و غنی‌سازی اورانیوم در جهت توسعه قدم بر می‌داریم و تعدیل قوانین و مقررات داخلی سرمایه‌گذاری خارجی در دست اقدام است. وی ضمن اشاره به وجود خطر بنیادگرایی در

لیبی وجود هرگونه معارض واقعی و سازمان یافته در لیبی را انکار کرد. اهم تغییرات و جهت‌گیری رسمی و داخلی لیبی عبارتند از:

الف) الغاء دادگاه‌ها و قوانین فوق‌العاده:

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۳، سرهنگ قذافی با سخنرانی در میان هیئت‌های عالی قضایی لیبی اعلام کرد: دادگاه فوق‌العاده خلق، قوانین فوق‌العاده و مجازات‌های بدون اجازه رسمی دادگاه ملغی می‌باشند. وی خواستار رسیدگی کامل حقوقی به اوضاع زندانیان و امضای قرارداد بین‌المللی مبارزه با شکنجه زندانیان گردید و از دولت لیبی خواست که نقش رهبری دفاع از حقوق بشر در جهان را ایفا نماید.

ب) تغییرات در قوانین و همچنین کابینه دولت:

در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۶، طی نشست عمومی کنگره خلق لیبی (پارلمان لیبی) تعدیل قوانین تجاری و سرمایه‌گذاری و تغییرات کابینه دولت لیبی تصویب گردید. ایجاد وزارتخانه‌های جدید نظیر، انرژی، امنیت ملی، آموزشی و کار در راستای تحکیم موقعیت اصلاح‌گرایان در هیئت وزیران به مدیریت نخست‌وزیر و به نفع جناح متمایل به سلف‌الاسلام قذافی پسر سرهنگ قذافی صورت گرفت همچنین تغییراتی در میان سران و دستگاه‌های امنیتی لیبی در دست اقدام است.

ج) اقتصادی:

شکری غانم نخست‌وزیر لیبی اعلام نمود که کشورش در نظر دارد ۳۶۰ واحد اقتصادی دولتی را به بخش خصوصی واگذار نماید و با ایجاد تعدیلات وسیعی در قوانین سرمایه‌گذاری خارجی و اقتصاد داخلی نسبت به سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعت، انرژی فسیلی، توریسم، آب و برق، حمل و نقل لیبی اهتمام جدی بعمل آورد. ایجاد بازار بورس اوراق بهادار، تخفیف و کاهش تعرفه گمرکی بسیاری از کالاهای وارداتی لیبی، برگزاری کنفرانس بین‌المللی سرمایه‌گذاری خارجی با حضور ۲۹ کشور خارجی، برگزاری نمایشگاه

بین‌المللی اقتصادی با مشارکت بیش از ۳ هزار شرکت خارجی از ۴۰ کشور جهان از دیگر اقدامات دولت لیبی در داخل محسوب می‌گردد.

(د) وفاق ملی:

سیف‌الاسلام قذافی فرزند سرهنگ قذافی نیز علاوه بر مشارکت فعال و پیگیری روند عادی سازی با غرب در جهت جذب معارضین (لیبرالیستهای ملی‌گرای لیبی) قدمهایی برداشته است که از جمله بازگشت رابطی و سفر دو فرزند مصطفی بن حلیم دو تن از شخصیت‌های بارز در زمان پادشاهی لیبی به طرابلس را می‌توان نام برد.

جمع‌بندی:

لیبی در راستای خواسته‌های سازمانهای بین‌الملل و حقوق بشر و تسهیل روند عادی سازی با غرب دست به اقدامات فوق زده است که اولاً برای پیاده شدن آنها و تبدیل شده به قوانین رسمی نیاز به گذشته زمان است ثانیاً همین اصلاحات بصورت گزینشی در بخشهای اقتصادی، سیاسی و ملی بیشتر در راستای بقای حکومت صورت می‌گیرد و گروههای مخالف لیبی که در آمریکا و اروپا دارای فعالیت رسمی می‌باشند در واکنش به تحولات لیبی، تصریح نمودند که با وجود حکومت کنونی هیچگونه امیدی به اصلاحات و ایجاد حکومت دمکراتیک نیست و رویه اخیر دولت را به نفع غریبه‌ها در قبال سکوت آنها نسبت به استمرار اختناق داخلی قلمداد نمودند اعتراضات مخالفین قذافی (مقیم خارج) در هنگام سفر وی به بروکسل و همچنین در زمان سفر مقامات غربی به طرابلس در همین راستا قرار می‌گیرد. مخالفین دولت، تعویق جلسه دادگاه استیناف ۱۵۲ تن از اعضای دستگیر شده اخوان المسلمین لیبی به اتهام ایجاد تشکیلات سیاسی مخالف دولت برای چندمین بار و زندانی بودن آنها را در این زمینه مطرح می‌نمایند. به هر حال با توجه به فقدان فرهنگ سیاسی و وضعیت قبیله‌ای جامعه لیبی تاکنون حزب و جریان مخالف قوی در این کشور شکل نگرفته است و به نظر می‌رسد در سالهای آینده تهدید جدی متوجه حکومت فعلی لیبی نباشد.

تحولات در روابط خارجی و بین‌المللی لیبی

از زمان تعلیق تحریم‌های بین‌المللی علیه لیبی در سال ۱۹۹۹ میلادی و بویژه بعد از اعلام تصمیم جدید لیبی از اوایل سال ۲۰۰۴ میلادی، دیپلماسی سیاسی و اقتصادی لیبی فعالیت چشمگیری داشته و صدها شرکت خارجی و دهها هیئت رسمی در سطوح عالی سیاسی و بین‌المللی از کشورهای غربی، جهان عرب و بخصوص آمریکا به طرابلس سفر نمودند و همچنین بطور متقابل از سوی لیبی رفت و آمدهایی صورت گرفت که در سطور ذیل به اهم آنها اشاره می‌شود.

الف) روند رابطه لیبی با آمریکا

در ماه‌های اولیه اعلام تصمیم لیبی مبنی بر توقف برنامه کشتار جمعی، روند روابط لیبی با جهان غرب بویژه آمریکا سیر صعودی داشت و دهها هیئت سیاسی و اقتصادی آمریکایی در کنار صدها نماینده از شرکتهای نفتی و غیرنفتی این کشور به طرابلس سفر کردند ولی در ماههای اخیر این روند با اعمال فشار و افت و خیزهایی روبرو بوده است. مهمترین سفرهای رسمی بین آمریکا و لیبی عبارتند از:

۱. چندین گروه نظامی و امنیتی آمریکایی بطور مستقل در پوشش سازمان انرژی اتمی به لیبی سفر نمودند و بسیاری از اسناد، مدارک، مواد و تجهیزات هسته‌ای و کشتار جمعی لیبی را به آمریکا انتقال دادند.
۲. سفر چند هیئت از مقامات کنگره و سنای آمریکا به لیبی و مشارکت در اجلاس کنگره خلق لیبی و ملاقات با سرهنگ قذافی و سایر مقامات لیبیایی بعمل آوردند.
۳. چندین سفر مقام دیپلماتیک و سیاسی آمریکایی به لیبی از جمله سفر معاون وزیر خارجه آمریکا در امور خاورمیانه و امور آفریقا و همچنین سفر معاون وزیر بازرگانی آمریکا را می‌توان نام برد.
۴. سفر نماینده دائم لیبی در سازمان ملل به واشنگتن و ملاقات با مقامات عالی‌رتبه آمریکایی منجمله وزیر خارجه آمریکا، سفر گروه دوستی لیبی با آمریکا، سفر یک

هیئت از دانشگاهیان و مقامات عالی و فرهنگی لیبی به آمریکا و سفر به چند ایالات آن کشور از جمله سفرهای مقامات لیبیایی به آمریکا می‌باشد. در تاریخ ۸۳/۲/۴، کاخ سفید با صدور بیانیه‌ای تحریم‌های اقتصادی بر علیه لیبی را لغو کرد ولی در عمل بخشی از تحریمها حذف شده است. در تاریخ ۸۲/۸/۴ دفتر حفاظت منافع آمریکا در لیبی با حضور معاون وزیر خارجه آمریکا افتتاح گردید و از سوی دیگر کاردار سفارت لیبی در کانادا مسئولیت بازگشایی دفتر حفاظت منافع لیبی در واشنگتن را بر عهده گرفت.

به هر حال آمریکاییها عادی‌سازی و همکاری با لیبی را در ابعاد اقتصادی - امنیتی، فرهنگی و سیاسی با زمانبندی مشخص پیش می‌برند و از سوی دیگر با اعمال فشارهایی نظیر انتشار مقاله ترور ولیعهد سعودی توسط قذافی از سوی روزنامه نیویورک تایمز، طرح ارتباط برخی لیبیایی‌ها با تروریسم بین‌المللی و غیره دولت لیبی را وادار به همکاریهای بیشتر اقتصادی و امنیتی با آمریکا می‌نمایند. مقامات آمریکایی همواره تأکید کرده‌اند که سرعت روند عادی سازی روابط، به میزان عملکرد و پاسخگویی لیبی به خواسته‌های آمریکا بستگی دارد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(ب) روابط لیبی با اروپا

لیبی از صادر کنندگان سنتی نفت و تأمین انرژی به کشورهای اروپایی و علاوه بر روابط سنتی با کشورهای اروپای شرقی با کشورهای حاشیه شمال دریای مدیترانه در خصوص مسائل امنیتی و مهاجرت غیرقانونی و غیره همکاری امنیتی و انتظامی داشته است. سفر سرهنگ قذافی به بلژیک بعد از سه دهه و سفر رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا به طرابلس در این راستا توجیه می‌شوند. لیبی با اتحادیه اروپا و چهار عضو مهم اتحادیه اروپا شامل: ایتالیا، فرانسه، آلمان و انگلیس بدنبال ایجاد روابط ویژه است که به شرح آنها می‌پردازیم.

فرانسه: سفر معاون وزیر بازرگانی فرانسه به همراه ۷۰ شرکت و سازمان فرانسوی در مورخ ۸۲/۱۲/۱۵ به لیبی، سفر سیفالاسلام قذافی در ۸۲/۱۲/۱۹ به پاریس و تسلیم پیام رهبری لیبی به شیراک و همچنین سفر نخست وزیر لیبی در ۸۳/۱/۳۱ به فرانسه را می‌توان در راستای بهبود روابط لیبی با اروپا تلقی نمود. دولت لیبی نیازمند حمایت فرانسه در پیوستن به معاهده بارسلون، گروه مدیترانه‌ای ۵+۵ و ارتقای روابطش با اتحادیه اروپاست. از سوی دیگر منابع و ذخایر انرژی لیبی، موقعیت و شبکه ارتباطی لیبی در شمال و صحرای آفریقا برای فرانسه اهمیت دارد.

انگلیس: سفر وزیر خارجه لیبی در تاریخ ۸۲/۱۱/۲۱ به انگلیس و سفر وزیر بازرگانی و تونی بلر نخست وزیر انگلیس به لیبی در کنار سفرهای متعدد از صاحبان صنایع، شرکتهای لیبی، کارشناسان نظامی انگلیسی به لیبی از اهمیت خاصی برخوردار است.

ایتالیا: ایتالیا دارای روابط تاریخی و دیرینه با لیبی بود و علاوه بر همکاریهای مختلف بعنوان اولین شریک تجاری این کشور در اروپاست. سفر وزیر خارجه لیبی به ایتالیا و سفر نخست‌وزیر این کشور به لیبی نشانگر اهمیت روابط فی‌مابین می‌باشد. ایتالیا در رویکرد جدید لیبی به غرب و روند عادی سازی روابطش با آمریکا نقش بسزایی داشته که در سخنان مقامات ایتالیایی و آمریکایی به این موضوع تصریح شده است گرچه برخی آثار استعمار ایتالیا در ذهن مردم و رهبران لیبی هنوز وجود دارد.

آلمان: آلمان از جمله کشورهای مهم وارد کننده نفت از لیبی بوده و بازار لیبی یکی از فرصتهای بزرگ صادرات آلمان به شمار می‌رود. تحولات اخیر لیبی بویژه موضوع پرداخت غرامت به کشورهای آمریکا و فرانسه و بالاخره حل قضیه کافه لایبل آلمان موجب بازگشایی مجدد بیمه هرمس آلمان نسبت به مبادلات تجاری بین دو کشور و اعلام حمایت این کشور از مدرنیزه شدن اقتصاد لیبی گردید که اثرات آن بر روابط، لیبی با اتحادیه اروپا و برخی کشورهای اروپایی محسوس می‌باشد. نخست وزیر آلمان دعوتنامه از سوی قذافی دریافت نموده و نسبت به انجام این سفر اعلام آمادگی کرده است.

جمع‌بندی:

گر چه روابط لیبی با برخی کشورهای مهم اروپایی و اتحادیه اروپا و همچنین ورود آن به پیمانهای تجاری و امنیتی مدیترانه مثل مشارکت بارسلونا، مجموعه کشورهای ۵+۵ و سایر سازمانهای اروپایی بنوعی تحت تأثیر قضیه تخفیف در حکم اعدام پرستاران بلغاری متهم به انتشار ایدز در لیبی قرار دارد ولی حل مشکلاتی نظیر پدیده مهاجرت، بیکاری، امنیت و غیره در مدیترانه نیازمند همکاری متقابل کشورهای حاشیه مدیترانه می‌باشد. در تحلیل کلی و بخصوص در ابعاد سیاسی، روابط لیبی با اروپا تابعی از روابط آن با آمریکا است. بیانیه پایانی ناتو در استانبول مبنی بر ضرورت همکاری با شمال آفریقا بویژه مغرب عربی بدون نام ذکر لیبی در این راستا توجیه می‌شود. البته کشور فرانسه به حوزه نفوذ استعماری خویش در شمال آفریقا توجه خاص دارد و از حضور نظامی و اقتصادی آمریکا در این منطقه نگران است. سفر آینده نخست وزیر آلمان و رئیس جمهور فرانسه به طرابلس می‌تواند در توسعه روابط لیبی با اتحادیه اروپا مؤثر باشد.

ج) روابط لیبی با آفریقا

از زمان بقدرت رسیدن قذافی در سال ۱۹۶۹ لیبی اهتمام زیادی به آفریقا از خود نشان داد و فعالیت‌های زیادی در حمایت از جنبشهای آزادیخواه و میانجیگری بین کشورهای بعمل آورده است ولی در سالهای اخیر پس از اعمال تحریمهای بین‌المللی علیه لیبی و ناامید شدن لیبی از جهان عرب به سوی آفریقا گرایش یافت و تأسیس جامعه کشورهای ساحلی و صحرایی در ۱۹۸۸، پیشنهاد ایجاد اتحادیه آفریقا به جای سازمان وحدت آفریقا از جمله اهداف مهم لیبی بوده است.

همچنین لیبی بعنوان یکی از اعضای اتحادیه عربی که ریاست دوره‌های کنونی آن را بر عهده دارد بر فعال‌سازی این اتحادیه و تأکید بر ضرورت همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین کشورها عضو و برگزاری اجلاس سران که از سال پیش متوقف

شده، تأکید می‌نماید لیبی با داشتن امکانات مالی مناسب و انگیزه بالا در راستای ارتقای جایگاه منطقه‌ای خود، توانسته است کشورهای عضو را تا حد قابل توجهی به فعال سازی مجدد اتحادیه بدون ارتباط آن با مسئله صحرای غربی متقاعد نماید.

البته برخی کشورهای قدرتمند و در حال توسعه آفریقایی به شیوه عمل و افکار قذافی در اتحادیه آفریقا توجهی نمی‌کنند و شاید یکی از علل عدم حضور قذافی در اجلاس اخیر سران اتحادیه آفریقا در آدیس‌آبابا همین بوده است ولی اغلب کشورهای آفریقایی بویژه کشورهای فقیر به خاطر کمکهای لیبی و نیازهای مادی خودشان و اتحادیه آفریقا مایل به توجه و دادن نقش منطقه‌ای به قذافی می‌باشند. کشورهای غربی بعد از رویکرد جدید لیبی، در این جهت حرکت کرده‌اند که شبکه‌های ارتباطی لیبی با کشورهای حاشیه صحرا و آفریقایی ادامه داشته باشد و از این جهت به لیبی نوعی نقش امنیتی با پوشش اقتصادی منطقه‌ای اعطاء کنند و آن را کنترل نمایند. نشان‌های این موضوع در درخواستهای سازمان ملل و آمریکا نسبت به میانجیگری لیبی در قضیه دارفور و همکاری با جامعه کشورهای ساحل و صحرا و غیره مشاهده می‌شود.

د) لیبی، اتحادیه عرب و کشورهای عربی

لیبی با اعلام توقف برنامه‌های کشتار جمعی خود، تلاش برای تنش‌زدایی روابطش با کشورهای عرب خلیج فارس را آغاز نمود و اعزام نمایندگان ویژه و سفر نخست‌وزیر لیبی به برخی کشورهای خلیج فارس در این جهت توجیه می‌گردد. سفر معاون همکاریه‌های وزارت خارجه لیبی در ۸۳/۱/۲۷ به کویت، سفر کوتاه پادشاه اردن در اوایل اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ به طرابلس، سفر وزیر دارایی سوریه به لیبی از جمله تلاشهای بعمل آمده در این جهت می‌باشد، ولی مشکلاتی با برخی کشورها مانند عربستان دارد.

سرهنگ قذافی با اعتراض به دستور کار اجلاس اخیر سران عرب در تونس از آن خارج شد و بر ناکام بودن و فقدان کارایی این اتحادیه تأکید نمود. اخیراً در مقاله منتشره در سایت (قذافی سخن می‌گوید) از قول قذافی نقل شده است: "تمسک جستن به

اتحادیه عرب جهل واقع یا تجاهل به آن است". برخی از کشورهای اصول‌گرای عربی از چگونگی رویکرد جدید لیبی که منجر به تضعیف کشورهای عربی و اسلامی و افزایش فشار آمریکا علیه سوریه و ایران شد، ناراضی و عصبانی هستند. غرب مایل است که لیبی از خاورمیانه و قضیه فلسطین دور بماند.

۴- جمع‌بندی و پیش‌بینی تحولات لیبی

رویکرد جدید و تحولات اخیر در کشور لیبی با اعلام توقف برنامه‌های تسلیحاتی کشتار جمعی از سوی این کشور در اواخر آذرماه ۱۳۸۲ آغاز شد که ریشه‌های آن به سالهای اولیه دهه ۹۰ در قرن بیستم برمی‌گردد. اوضاع سیاسی و اقتصادی داخلی لیبی، تغییرات و تحولات در نظام بین‌المللی و آثار تحریم‌های بین‌المللی علیه کشور لیبی از جمله ریشه‌ها و عوامل مهم رویکرد جدید لیبی به شمار می‌آیند که حوادث ۱۱ سپتامبر و اشغال عراق در زمره عوامل تسریع‌کننده در ارزیابی‌ها و اقدامات اخیر سرهنگ قذافی قلمداد می‌گردد.

بعد از گذشت هفت ماه از رویکرد جدید لیبی، به نظر می‌رسد ماه‌های عسل‌گشایش روابط خارجی این کشور دارای فراز و نشیب‌هایی بوده که چندان به کام ملت و دولتمردان لیبی خوش نبوده است. از سوی دیگر، رویه تسلیم‌محض و پذیرش خلع سلاح لیبی بدون استفاده از ظرفیتهای حقوقی و سیاسی خویش در جامعه بین‌المللی و بدون کسب هیچ امتیاز قابل توجهی در جهت خواست قدرتهای بزرگ و نهادینه کردن استراتژی نظامی‌گری و یکجانبه‌گرایی آنان به قیمت ظرفیتهای تواناییهای اعضای نظام بین‌الملل و سازمانهای بین‌المللی بیش از هر چیز جلوه‌گر شده است. سازمانها و کشورهای غربی نیز در تعامل با لیبی نوعی وسواس، عدم اعتماد و سیاست چماق و هویج را مدنظر قرار داده‌اند که در مجموع وضعیت لیبی را غیرخوشایند نشان می‌دهد به هر حال لیبی یک کشور مسلمان دارای آرمانها، اهداف بوده و از سوابق و عملکرد خاصی در سه دهه گذشته

برخوردار می‌باشد، که نه ملت و دولت لیبی به راحتی از تمام آرمانها و اهداف گذشته خود فاصله خواهند گرفت و نه کشورهای غربی براحتی به تحولات اخیر این کشور قانع خواهند شد.

در هر صورت برآیند همکاریها و فشارهای جهان غرب به رهبری آمریکا نسبت به لیبی در راستای کنترل بیشتر، همچنین کسب امتیازات اقتصادی و همکاریهای امنیتی بالاتر با نوعی از هماهنگی به پیش خواهد رفت و در کنار آن برخی از اتهامات گذشته حکومت لیبی در برخورد با مخالفین داخلی و خارجی اش را همچنان مفتوح خواهند گذاشت. به هر حال روابط لیبی با جهان عرب، آفریقا و همچنین جمهوری اسلامی ایران نیز تحت تأثیر روابطش با غرب پیش خواهد رفت.

حسن شاه‌حسینی

کارشناس اداره دوم خاورمیانه عربی و شمال آفریقا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

منابع:

روزنامه‌های عربی: الشرق الاوسط، الاهرام، الحیاه و سایتهای اینترنتی